

## چرا میراث ایوبی از بین رفت؟ چرا کسی تذکرها را جدی نگرفت؟

با گذشت ۳۸سال از انقلاب اسلامی و ۱۱ دوره ریاست جمهوری، انگار هنوز عده‌ای از مسئولان در حال آزمون و خطا و هزینه کردن از کیسه خلیفه هستند، شاید به همین دلیل در دولت «تدبیر و امید» فرهنگ کشور به این حال و روز افتاده است، فرهنگی که بر اساس معیارهای سیاسی به مرز نابودی کشیده شده و در آخرین نمونه شاهد متحل شدن طرحی از قبل شکست خورده به نام «مدرسه ملی سینمای ایران» هستیم؛ طرحی که در چند روز گذشته با لغو تمامی بورسیه‌های تحصیلی هنرجویان مدرسه و تعطیلی کامل کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی عملاً متحل شده است.

طرحی که بارها در روزنامه جوان از ناکار آمدی آن به مسئولان وقت تذکر داده شده بود!اما باید پرسید حالا چه کسی پاسخ هزینه‌های صورت گرفته از بیت‌المال که عده‌ای فکر می‌کنند سهم‌شان از سفره انقلاب است!
به‌مهم‌ترین سرمایه بشری، یعنی وقت تلف شده جوانان هنر جو ی مدرسه را می‌دهد؟!
طرحی بدون پشتوانه علمی که از قبل هم شکست آن دور از انتظار نبود و به همین دلیل اغلب منتقدان و اهالی سینما به بی‌تأثیری آن همچون «گروه هنر و تجربه» اذعان داشته‌اند؛ طرحی نشئت گرفته از تفکرات یاد رکلام بهتر توهمات مدیران گذشته که کنون میراثی نامیمون از رئیس پاریس نشین سازمان سینمایی، ثمره‌اش شده است، تا جریان اصلی سینمای ایران را به سوی تفکرات سینمای غرب و «حلقه فرانسوی» سوق دهد و حجت‌الله ایوبی دین خود را به «حلقه فرانسوی» که باعث مسند نشینی او در سازمان سینمایی شده، ادا کند و از سوی دیگر چند روزی نویسندگان و کارگردان‌های ورشکسته سینما از بیت‌المال به خوبی اتراق کنند.

البته باید منتظر ماند تا سرنوشته «گروه هنر و تجربه»مشخص شود، گروهی که الحق می‌توان گفت که سینمای ایران را نجات داده است!حالا سئوال این است: مردمی یک فیلم(هنگامه) برابری می‌کند با فروش ۵۷فیلم از این طرح، البته همان گونه که گفته شد این طرح برای دلخوشی چند کارگردان خسته یا دلشکسته در سالن‌های خالی و پر که اولی برای حضور مردم و دومی برای توهین به مردم ایجاد شده است، البته مدیر گروه سینمایی «هنر و تجربه» نگران آینده این طرح نجات‌دهنده است!و به همین دلیل در هر فرصتی، حالا چه یادداشت یا مباحثه در حال برشمردن حسانت این طرح است، اما ای کاش فردی به‌استحالات سئوال این سئوال را بدهد که اگر طرحی این چنین به سینمای کشور کمک می‌کند، پس چرا اهالی سینما که امرار معاش‌شان از همین سینما است شمشیر را از رو کشیده‌اند و این چنین با آن مخالفت می‌کنند؟

در هر حال دولت «کرده» در اشتباهات فرهنگی «کرده» زده است زیرا بیشتر مسائل فرهنگی را به شانس و اقبال گره زده تا اگر بعد از مدتی مانند طرح‌هایی همچون «مدرسه ملی سینمای ایران» و «گروه هنر و تجربه» با شکست مواجه شود، انحلال آن بر دوش مدیر بعدی قرار بگیرد تا مانند محمد مهدی حیدریان ابتدا خبر از بررسی طرح و تغییرات آن دهد و در نشست خبری خود اینگونه بگوید: «مدرسه ملی سینما جزو اولین مکان‌هایی بود که به آنجا سر زدم و اتفاقاً اولی جایی بود که برنامه اتی این مشخص شد. در بازدیدی که داشتم به دلیل اعلام سیاست‌های مان برنامه این مکان و سهم مدرسه ملی سینما مشخص شد. به همین منظور یک کمیته تخصصی برای این امر اختصاص دادیم، این مدرسه تغییراتی نسبت به برنامه‌های گذشته خود خواهد داشت اما به کار خود با یک سمت و سوی مرتب با سازمان سینمای ادامه می‌دهد، به طور کلی از نظر ما در سازمان سینمایی بخش مستقل غیرمرتبط چیز اضافی است. بخش‌های سازمان سینمای باید به همین سمت برود و فعالیت‌های آنها با هم یکپوستگی و هم‌افزایی داشته باشند که مدرسه ملی سینما هم یکی از آنها است.»
و در نهایت که آب‌ها از آسیاب افتاد اهالی سینما با خبری اینچنینی؛ «سازمان سینمای تصمیم به کاهش شدید بودجه و محدود کردن دامنه فعالیت‌های مدرسه ملی گرفت.»
و بهر روش، دولت مشکل، منحل کردن طرح‌های صد می یک‌غاز نیست، بلکه فرار مدیران تصمیم‌گیرنده است، تا باعث بی‌اعتمادی مردم به مسئولان فرهنگی شود.

## خبر

## خسر و معتضد به پرسش‌ها درباره تاریخ پاسخ می‌دهد

**خسر و معتضد، مورخ و پژوهشگر تاریخ با حضور در شهر اصفهان به سؤالات علاقمندان به تاریخ پاسخ می‌دهد.**
معتضد که جزو کارشناسان تاریخ برنامه‌های تلویزیونی است در روزهای شنبه، یک‌شنبه و دوشنبه هر هفته با حضور در شهر اصفهان و شرکت در برنامه کافه نقد که از سوی سازمان فرهنگی – اجتماعی شهرداری اصفهان برگزار می‌شود به پرسش‌های تاریخ‌دوستان پاسخ خواهد داد.



**جمال شورجه** کارگردان سینمای ایران که آخرین فیلمش را در سال ۸۹ جلوی دوربین برد، می‌گوید در دولت یازدهم از هیچ یک از ایده‌های او حمایتی صورت نگرفت. او همچنین تأکید می‌کند که یک فرد بسیجی به تنهایی و بدون حمایت هیچ ارگانی نمی‌تواند اثر موفقی را خلق کند. کارگردان «سی‌یو سه روز» معتقد است حمایت از فیلم‌های ارزشی نباید تنها به حوزه ساخت فیلم محدود شود و در حوزه پخش و اکران نیز باید از این‌گونه فیلم‌ها حمایت صورت گیرد. در حالی که این روزها بسیاری از دولت‌مدان و سینماگران معتقدند که بخش خصوصی باید فعالیت خود را در زمینه فیلمسازی افزایش دهد، جمال شورجه کارگردان سینمای ایران از حمایت نکردن نهادهای دولتی و حکومتی از ساخت فیلم‌های ارزشی انتقاد می‌کند. شورجه درباره فضای حاکم بر سینمای ایران به باشگاه خبرنگاران جوان می‌گوید: «سینما



| روزنامه جوان | شماره ۵۱۲۵ | چهارشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۶ | ۱۷ شوال ۱۴۲۸ | اذان ظهر: ۱۳:۱۰ | غروب آفتاب: ۲۰:۲۲ | ۲۰۰ نفر | مغرب: ۰۴:۲۰ | نیمه‌شب: ۰۱:۱۸ | اذان صبح: ۰۴:۱۵ | طلوع آفتاب: ۰۵:۵۹

**روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران**

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سر‌مدیر: غلامرضا صداقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

روزنامه جوان | شماره ۵۱۲۵ | چهارشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۶ | ۱۷ شوال ۱۴۲۸ | اذان ظهر: ۱۳:۱۰ | غروب آفتاب: ۲۰:۲۲ | ۲۰۰ نفر | مغرب: ۰۴:۲۰ | نیمه‌شب: ۰۱:۱۸ | اذان صبح: ۰۴:۱۵ | طلوع آفتاب: ۰۵:۵۹

## وقتی رسانه ملی خانواده متوسلیان را بایکوت ولی سینماگر خاطی را تشویق می‌کند

# پروژه تطهیر در رسانه ملی!



### جواد محری

قطعات پازل رویکردهایی را که در رسانه ملی در حال اتفاق افتادن است که کنار هم می‌چینیم، ناخودآگاه وجود یک مافیادور از چشم مدیران سازمان به ذهن متبادر می‌شود؛ مافیایی که در پشت پرده شبکه‌ها و برنامه‌های سیما بیشترین تمرکز خود را بر امور فرهنگی قرار قرار داده و ایام و ساعات پربیننده را به کانون اثر گذاری خود تبدیل کرده است.

منوچهر محمدی یکی از مبتذل‌ترین و بدترین فیلم‌های تاریخ تهیه‌کنندگی‌اش را ساخته و چند وقتی است از سوی اغلب افکار و سلیقه‌های سینمایی با انتقاد مواجه است. او به یکبار، از برنامه پربینده «فرمول یک» سر درمی‌آورد و مانند قهرمانی ملی که مثلاً تا قبله اورست رفتن کرده یا در المپیک مدال طلا گرفته مورد تکریم و تمجید قرار می‌گیرد.

باز بگری که به تاژیی به دلیل الصاق نماد هنجنسان بازان در یک نمایش پسر از ارجاعات دگرپاشانه مورد انتقاد دار، نیز به سرعت به برنامه پربیننده خندوانه دعوت می‌شود.

فیلمسازی که برای اولین بار در سینمای ایران رابطه جنسی محارم در یک خانواده مذهبی را دستمایه کار قرار داده و فیلمش تا بد به زبله‌دان رفته و امکان نخواهد داشت، به تلویزیون دعوت می‌شود و در دوره بی‌بولی سازمان، دو سریال تلویزیونی خانواده‌گنی را کارگردانی و نویسدگی می‌کند.

فیلمساز دیگری که سال‌ گذشته خیر شکایت دختری جوان از وی به اتهام تجاوز به عنف، رسانه‌ای شد نیز یک پروژه تلویزیونی را تحویل می‌گیرد.
فیلمسازی دیگر که سریال ماه رضائی او با انواع انتقاد جدی مواجه است جایی مباحثه می‌کند و از اعتقادات عمیقش به سبک زندگی غربی و اینکه مدیران سیما خیلی دم‌وکرات و بحال هستند، سخن می‌گوید.

به اینها اضافه کنید صدا و هزران مورد دیگر که هنرمندان مسئله‌دار را که غالب آنها زندگی زرد و غیرقابل الگوبرداری دارند، در مکالمی می‌شنوید و واردبازی برنامه‌سازی برای سیما می‌کند، ساختاری که به سرعت افراد خاطی و مسئله‌دار را نظهر کرده و برای ادامه روش‌های ناصواب تشویق می‌کند.

**منافذ گشاد فرهنگی**

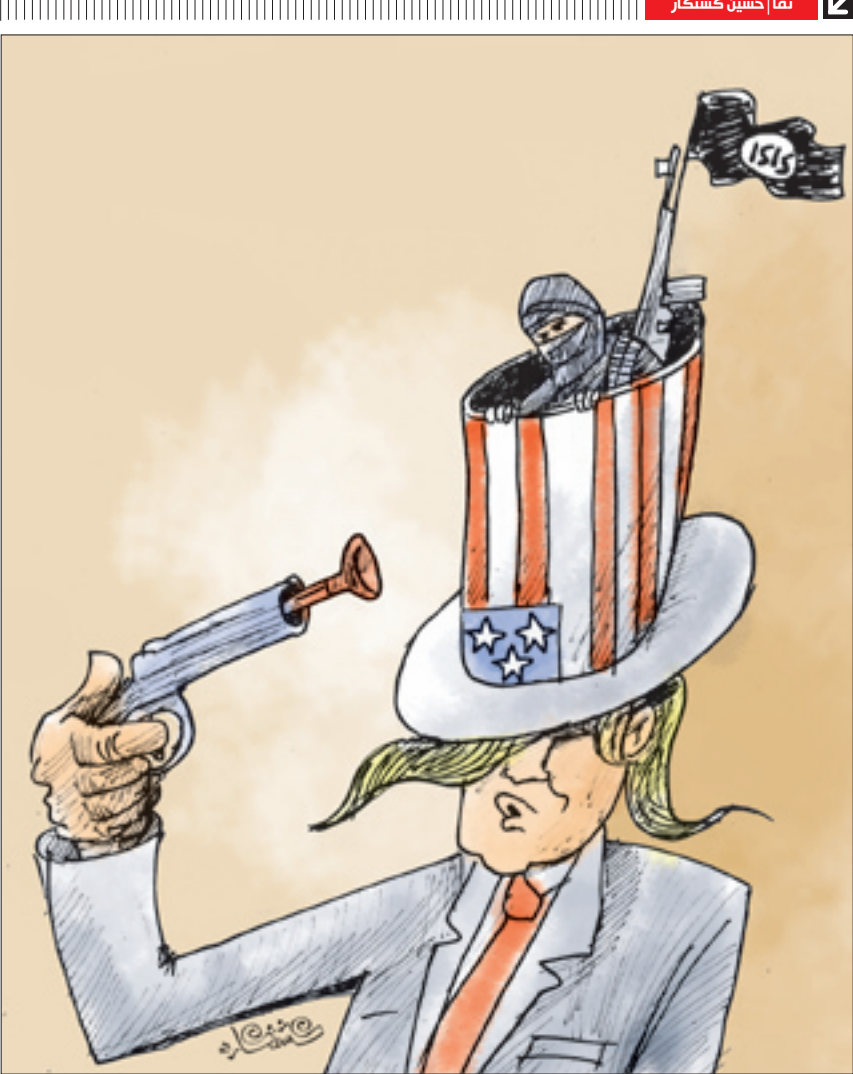
اگر مکانیزم‌های مشوقانه برای به دست آوردن

## حکمت

حکمت ۳۹

لَا قُوَّةَ إِلَّا لِلَّهِ وَإِذَا قُرِئَتْ فَلْيَنْصِتْ.

عمل مستحب، انسان را به خدا نزدیک نمی‌گرداند، اگر به واجب زبان رساند.



نفوذ نهادهای نظامی و امنیتی امریکا در هالیوود

## آژانس امنیت ملی امریکا

## سازمان سیا و پنتاگون هالیوود را تصرف کرده‌اند

### تألیف و ترجمه: علی اعتمادی

مرکز خبری اینسرج، در سرمقاله‌ای که هفته گذشته منتشر کرد پسه برخی دستکاری‌ها و کارشکنی‌های آژانس‌های امنیتی– نظامی امریکا در فیلم‌های هالیوودی اشاره کرد و نوشت: آژانس امنیت ملی امریکا، سازمان سیا و پنتاگون یسه پیش از هزار و ۸۰۰ فیلم هالیوودی نفوذ کرده‌اند.

این اسنادی منتشر شده که نشان می‌دهد برخی نهادهای امنیتی–نظامی امریکا، هالیوود را تحت هدایت خود دارند.

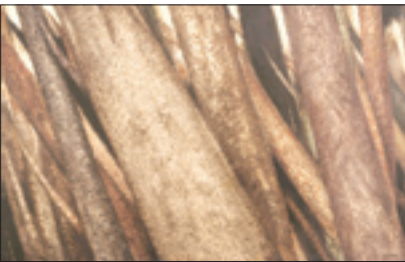
این هدایت شامل دستکاری در فیلمنامه‌ها و جلوگیری از پخش برخی فیلم‌هایی است که از وزارت دفاع امریکا با همان پنتاگون انتقاد می‌کنند. لازم به ذکر است که این دستکاری‌ها در سال‌های اخیر در فیلم‌های هالیوودی بیشتر مشاهده شده‌اند. زمانی که در اوایل قرن بیست و یکم به رابطه بین سیاست و سینما پی بردیم، به این نظر یه رسیدیم که پنتاگون خانه‌های آژانس امنیتی مدرن در تهیه و تولید بیش از هزار و ۸۰۰ فیلم هالیوودی دست داشته و حتی تغییراتی در فیلمنامه‌ها داده است. اسنادی که از پنتاگون و سازمان سیا درباره قانون آزادی انتشار اطلاعات منتشر شد حجت را بر ما تمام کرد. این اسناد نشان می‌دهند که بطور دولت امریکا در پشت پرده بیش از ۸۰۰ فیلم هالیوودی و بیش از هزار برنامه تلویزیونی دست داشته است. جان وُیت، هنر پیشه هالیوود در صحنه‌ای از فیلم «تس فورم» بعد از اینکه چند ربات به سربازان امریکایی حمله می‌کنند، این جمله را تکرار می‌کند که «سربازان را به خانه برگرانید.» او با بیان این دیالوگ در واقع به این سربازان پناه می‌دهد و حسی پدراهِ می‌گیرد. این در حالی است که در واقعیت، وزارت دفاع امریکا خلاف این کار را انجام داده است.

### خوره‌ای به نام اصالت سود

به نظر می‌رسد مشکل اصلی نفوذ افرادی از این دست در نهادهای فرهنگی استراتژیک نظام‌بیش دست در نهادهای فرهنگی استراتژیک نظام‌بیش از همه قواعد و قوانین است. زمانی که فیلمنامه‌نویسی محبوب‌ترین فیلم‌های هالیوودی مانند جیمز باند، ترسفورمرو فیلم‌های دیگر را باز نویسی کرده در برخی برنامه‌های مستند، برنامه‌های تلویزیونی مانند «امریکا استعداد دار» و شبکه‌های تاریخی وی‌بی‌سی نفوذ کرده است. زمانی که فیلمنامه‌نویسی به پنتاگون مراجعه می‌کند تا تجهیزات نظامی آنها برای ساخت فیلم خود کمک بگیرد، آنها مجبورند فیلمنامه را برای تأیید صلاحیت به آنها ارائه کنند. اگر شخصیت، دیالوگ یا یک صحنه باشد که پنتاگون آن را تأیید نکند، فیلمساز مجبور است تغییراتی را در فیلمنامه اعمال کند تا خواسته‌های نظامی

شایعه جعلی بودن گرانقیمت‌ترین نقاشی حراج تهران

## می‌گویند سهراب سپهری جعلی است



### محمدصادق عابدینی

تنها چند روز بعد از هفتمین حراج تهران، گرانقیمت‌ترین تابلوی نقاشی فروخته شده در این حراج با انگ جعلی بودن مواجه شد؛ شایعه‌ای که مراد خانی معاون هنری وزیر آن را رد می‌کند، جمعه ۱۶ تیرماه بود که هفتمین حراج تهران برگزار شد و به جز یک اثر که همه آثار ارائه شده در این حراج به فروش رسید. در این دوره باز هم قرعه گرانقیمت‌ترین اثر فروخته شده حراج تهران به نام سهراب سپهری افتاد. این بار نیز اثری از این هنرمند از مجموعه تنه درختان که در سال ۱۳۵۱ نقاشی شده است به قیمت ۳میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان به فروش رسید اما به سرعت شایعه‌ای مطرح شد مبنی بر اینکه تابلوی بی‌نامی که با امضای سهراب سپهری فروخته شده است، جعلی است. افسین پرورش، پژوهشگر هنری از جمله افرادی است که معتقدند این تابلو جعلی است. پرورش می‌نویسد: سکوت رسانه‌ها و انجمن نقاشان در قبال ارائه و فروش این اثر جعلی از سهراب سپهری به نام سهراب سپهری باعث شد تا این حراج حراج ریستی تابلویی از سهراب سپهری در حراج تهران، نشان از عمق و گستره فساد حاکم بر جامعه هنری دارد. این برای اولین بار نیست که تابلوهای فروخته شده به نام سهراب سپهری بانگ جعلی بودن مواجه می‌شوند. پیش از این نیز در جریان حراج کریستی تابلویی از سهراب سپهری به فروش رسید که اعتراض خانواده نقاش را به دنبال داشت. خواهر سهراب سپهری در مصاحبه‌ای اعلام کرد تابلوی فروش رفته به نام سهراب سپهری در حراج کریستی امسال تقلبی و این حرکت برای خانواده هنر ایران یک رسوایی است. وی گفت:

هم حرفی روی آن نداریم.»